



نقش معماری و طراحی شهری در پیشگیری از وقوع جرم در شهر کرمان

مهدی مصطفوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۰۵

چکیده

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونت، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است. هدف این تحقیق بررسی جایگاه معماری و طراحی شهری در پیشگیری از وقوع جرم در شهر کرمان است. روش به کار رفته در این تحقیق از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش برداری مبتنی بر تحلیل محتوا متون قانونی و تحقیقات مرتبط با قتل عمد در فقه صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد یکی از راهکارهای اساسی جهت جلوگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت روانی در محیط شهری، پیشگیری از طریق طراحی معماری و طراحی شهری است، طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی و موجب امنیت روانی در محیط می‌شود. اصول طراحی محیطی با رویکرد پیشگیرانه می‌تواند به گونه‌ای آسان، ارزان و کارآمد در هنگام ساخت یا تعمیر مجموعه‌های مسکونی اعمال گردد. که می‌توانیم با اقدامات پیشگیرانه شامل شناسایی محدوده‌های جرم خیز شهر کرمان در آینده و ارائه راه کار برای ایمن سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل و درمانی در کانون‌های جرم خیز فعلی که با درک عامل بروز جرم از ابعاد کالبدی است. تصمیمات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش آثار این عوامل در سطح شهر کرمان با توجه به گستردگی فراوان، جمعیت بالا، جرائم شهری متعدد، حاشیه نشینی و ... اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: کالبد شهر، امنیت، امنیت شهری، جرم، پیشگیری





مقدمه و بیان مسئله

فاکتورهایی نظیر سبک مدیریت مسکن، نحوه اجاره داری، سطح محلی بیکاری و امکانات موجود اجتماعی از جمله فاکتورهایی است که وقتی که به دنبال ساده‌ترین پاسخ‌ها در ارتباط میان سطوح جرم و بزه کاری با طراحی مسکن هستیم. به راحتی به سرزنش طراحی می‌پردازیم که آن فاکتورها را در نظر نگرفته‌اند. هنوز مدرکی قطعی مبنی بر این موضوع وجود ندارد که طراحی، فاکتور اصلی ایجاد یا حل مشکلات نظم و قانون باشد. طراحی به خودی خود، موجب رخ دادن جرم یا تبدیل شدن افراد به مجرم نمی‌گردد. با این حال به نظر می‌رسد که برخی از ویژگی‌های طرح، مشکلات جرم‌های محلی را تشدید می‌کنند. اگر چه همین ویژگی‌ها در موقعیتی متفاوت ممکن است همان اثر را نداشته باشد. اهمیت داشتن شهری عاری از جرم و جنایت که در آن شهروندان احساس امنیت کنند بر کسی پوشیده نیست و در مقیاس خردتر تمهیداتی که بتواند بزه را در مکان‌های عمومی و مسکونی کاهش دهد بسیار ضروری و لازم به نظر می‌رسد. تحقیق حاضر این مبحث را دنبال می‌کند که به چه شیوه‌های علمی و کاربردی می‌توان سطح امنیت را در مکان زندگی شهروندان بالا برد و احساس رضایت مندی بیشتری را از زندگی در شهر و یک واحد مسکونی بوجود آورد. چه راهکارهایی را برای برون رفت از وضعیت ساختمان‌های در معرض بزه می‌توان پیشنهاد نمود و آیا برای جلوگیری از عوامل بزه فقط نوع طراحی فضاها و ساختمان نقش دارند و یا عوامل دیگری مثل روانشناسی محیط و افراد، مدیریت شهری و مسائل اجتماعی، امکانات موجود و... می‌توانند سبب کاهش خلاف در محیط زندگی شوند. بدنه اصلی تحقیق براساس استخراج اطلاعات و تحلیل محتوی از مجموعه مقالات و کتب معتبر در زمینه مهندسی معماری، شهرسازی و حقوق است. که با بررسی مسائل، علل و دلایل وقوع جرم و ریشه یابی در دلایل عدم توفیق برنامه‌ها، در طراحی مسکن با رویکرد کاهش بزه کاری پرداخته است.

با بررسی نقش طراحی بر کاهش جرم و تئوری‌های طراحی ایمنی در مناطق عمومی و مسکونی و متغیرهایی که در طراحی با استفاده از آن می‌توان محیط امن‌تری را بوجود آورد و همچنین با ارائه راهبردهای مهندسی، طراحی شهری و مدیریتی سعی در ارائه پیشنهادات مناسب در زمینه طراحی مسکن، برای برون رفت از وضعیت مکان‌های مسکونی در معرض جرم و جنایت نموده است. بر همین اساس هدف این تحقیق بررسی نقش معماری و طراحی شهری در پیشگیری از وقوع جرم در شهر کرمان است.



پیشینه تحقیق

کالبد شهر: در ادبیات طراحی شهری، واژه شکل (فرم) شهر را می‌توان مترادف کالبد شهر دانست (میر مقتدایی و طالبی، ۱۳۸۵). کوین لینچ در کتاب سیمای شهر فرم شهر را بصورت «مظاهر جسمی و رویت پذیر شهر» تعریف کرده است. در کتاب تئوری شکل خوب شهر این مفهوم اینگونه مطرح می‌شود: «شکل مجتمع زیستی که معمولاً به نام محیط زیست کالبدی خوانده شده است، به طور کلی به مفهوم الگوی فضایی عناصر کالبدی بزرگ، بی حرکت و دائمی در شهر نظیر: ساختمان‌ها، خیابان‌ها، تجهیزات، تپه‌ها، رودخانه‌ها و شاید هم درختان باشد. ایشان در نهایت «توزیع فضایی زمانی عملیات انسانی و عناصر فیزیکی که زمینه عملیات است، به اضافه فقط آن مقدار از نهادهای اجتماعی و رفتارهای روانی که بطور مستقیم با توزیع فضایی-زمانی فوق در ارتباط بوده و در مقیاس کل مجتمع زیستی دارای اهمیت است» را بعنوان حیطه انتخابی خود در نظر گرفته است. کالبد شهر ابعاد فیزیکی شهرنشینی با تاکید بر نوع ساختمان‌ها، شاهراه‌ها، فضاهای باز، میادین و نمای ساختمان‌ها و خیابان‌ها، البته با لحاظ ابعاد محیطی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی این عناصر است (ملکی، ۱۳۹۳: ۱).

امنیت: واژه «امنیت» در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۷). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از «ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶). امن بودن فضا خود دارای دو مؤلفه است:

الف. ایمنی

ب. امنیت

در مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود (Kelly et al, 2009: 2).

مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن‌ها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیش‌گیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود. یک فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل هر دو مؤلفه فوق‌الذکر می‌شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را





می‌توانیم به عنوان فضای شهری امن توصیف کنیم (Rothrock, 2010: 9).

امنیت شهری: اولین تاملات در مورد تامین امنیت شهرها به دوره رنسانس باز می‌گردد پیش از آن در جریان قرون وسطی، شکل شهرها معمولاً نتیجه توجه به پدیده امنیت بوده که ساختارهای پناهگاهی را مورد توجه قرار می‌داده است (سیف الهی فخر، ۱۳۸۹: ۱۸). امنیت شهری یعنی داشتن آرامش، اطمینان خاطر و نبود هراس شهروندان از هرگونه خطر و تهدید علیه شهروندان در شهر، فضای شهری، کالبد و زیرساخت‌های شهری و عناصری که در زندگی شهری احساس ناامنی را در شهروندان موجب می‌گردد (ستوده، ۱۳۹۰: ۲۴). التفات به مقوله امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف دارد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین که اختلاط و در هم آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد، دریافت می‌شود که این مقوله ارتباط و پیوستگی نزدیکی با امنیت ملی و انسجام و همبستگی اقشار یک اجتماع در برابر تهدیدهای درونی و بیرونی در حال شکل‌گیری نسبت به آن سیستم دارد. این گسترش بی‌رویه می‌تواند این نکته را یادآور شود که هر افزایش جمعیتی در ساختار شهری، می‌تواند به کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون در عرصه جمعی تبدیل شود که در نهایت امکان کاهش میزان احساس امنیت از دیدگاه شهروندان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، و حتی جانی و مذهبی را نیز در برمی‌گیرد (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۲). از سوی دیگر می‌توان یادآور این مطلب باشد که می‌بایست امنیت را با مذاقه بیشتری مورد بررسی قرار داد، چرا که امنیت به واسطه تهدیدها مورد چالش واقع می‌شود و این تحلیل‌ها ناشی از این امر است که افراد در محیط اجتماعی به سر می‌برند و فشارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی این محیط است که امنیت شهروندان را دچار نقصان می‌کند. این تهدیدها را می‌توان در قالب تهدیدهای فیزیکی مثل تعرض جانی، تهدیدهای اقتصادی مانند عدم دسترسی به شغل و تهدید نسبت به حقوق شهروندی یا تهدید جایگاه اجتماعی بیان کرد (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۳)، امروزه امنیت یکی از پیش فرض‌های توسعه است (موذن جامی، ۱۳۷۸: ۵۲).

استیو پایل در کتاب شهرهای بی‌قاعده می‌نویسد: مشکلات محیطی و اجتماعی که با توسعه شهری در طی زمان تغییر می‌کنند ممکن است به خطرات و تهدیدات امنیتی برای ثبات جامعه شهری و حتی ثبات شهری منجر شود. فیکر هرگونه ناهنجاری در فضای شهری را مقدمه ناامنی بشمار آورده و انبوهی جمعیت جوان در شهرهای بزرگ را خطری برای امنیت پایدار شهری می‌داند. به نظر وی مسایل عمده کلان‌شهرها، مهاجرت





فزاینده روستا-شهری و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، حاشیه نشینی و جمعیت فقیر شهری است که می‌تواند به ناپایداری امنیتی منجر شود (زینالی، ۱۳۹۱: ۳۲).

جرم: در جوامع مختلف، معیار شناخت جرم و بزهکاری به طرز تفکر، فرهنگ، پیشرفت و عقب ماندگی آن جامعه بستگی دارد. بنابراین ممکن است انجام رفتاری در یک جامعه، عادی و در جامعه دیگر، جرم محسوب شود. ولی می‌توان گفت که هرگونه رفتار خلاف اجتماعی و غیر قانونی که ارتکاب به آن مجازات و جریمه سنگینی داشته باشد، جرم نامیده می‌شود (دهقان، ۱۳۸۱).

پیشگیری از وقوع جرم: واژه پیشگیری در مفهوم به معانی پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن و همچنین آگاه کردن، خبر چیزی را دادن است. اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری یعنی به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزه کاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزه کاری است. تعاریف مختلفی از پیشگیری از جرم ارائه شده است. آقای گسن، جرم شناس فرانسوی، برای تشخیص اقدامات پیش گیرانه چهار معیار در نظر گرفته است:

۱. اقدامی پیش گیرانه است که هدف اصلی آن اقدام موثر علیه عوامل یا فرایندهایی است که در بروز بزه کاری وانحراف، نقش تعیین کننده دارند؛
۲. اقدامهایی پیش گیرانه جمعی هستند که کل جامعه یا بخش گروه معینی از جامعه در بر می‌گیرند؛
۳. اقدامهایی که قبل از ارتکاب اعمال بزه کارانه یا کج روانه اعمال می‌شوند و نه بعد از ارتکاب جرم؛
۴. اقداماتی که قهرآمیز و سرکوب گر نباشد (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۳۵).

مبانی نظری تحقیق

هر فرد در قالب زمان و مکان مشخصی زندگی می‌کند و با توجه به کنش‌های فردی و اجتماعی خود درگیر با مکان‌های خاص و در تعامل با کسانی است که به شیوه اجتماعی با او زندگی می‌کنند، بنابراین ایفای کارکردهای اساسی او و همچنین تأثیر متقابل بین فرد، اجتماع و محیط پیرامون او در این فضا قرار دارد. آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت دارد رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار آن است. در واقع این موضوع که طی چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیای شهری افزوده شده است چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم



و مطالعه رابطه ناهنجاری‌ها با فضا و زمان را در محدوده شهرها فراهم می‌نماید. به طور کلی در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیایی شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و به کمک نمایش فضایی اعمال مجرمانه و تلفیق این اطلاعات با داده‌های مکانی محل ارتکاب جرایم و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی مجرم و محل سکونت او، امکان شناسایی کانون‌های جرم خیز، پیش‌بینی محله‌ای احتمالی وقوع ناهنجاری در محدوده شهر فراهم می‌شود. در نهایت این اطلاعات به شکل موثری می‌تواند به کاهش میزان جرایم در سطح شهر و پیشگیری از بزهکاری و افزایش ایمنی کمک نماید. در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری به چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، بزه دیده شی یا شخص و مکان جرم محدوده خاص زمانی و مکانی که وقایع مجرمانه در آن اتفاق می‌افتد بسیار تأکید می‌شود آنچه مسلم است برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، در نقطه مقابل برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزه کاری خود به دنبال کم خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود. از این رو در این مطالعات سعی می‌شود ضمن بررسی توزیع فضایی اعمال مجرمانه و تحلیل آن، وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اجتماعی، اقتصادی مکان‌های جرم خیز در محدوده‌های جغرافیایی مشخص شود. از طرفی با تهیه نقشه‌های بزهکاری رابطه فضای زندگی و حوزه‌های اجتماعی شهر با رفتارهای ناهنجار مشخص شود و بدین وسیله پیش‌بینی احتمالی محل‌های وقوع انواع جرایم در برخی محدوده‌های شهر امکان پذیر می‌گردد (جباری، ۱۳۸۸: ۳۹).

نظریات مکانی و جرائم شهری

اولین مطالعات جغرافیای بزه کاری در شهرها به شیوه علمی از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی کارهای اولیه کتله و گری شروع و توسط محققین و دانشمندان مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم ادامه یافت. شاو و مک کی اما از چند دهه قبل خصوصاً از سال ۱۹۹۰ به بعد و با رشد شتابان شهرها





و افزایش بی رویه جرم و جنایت در آنها توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی های مکانی جرایم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی توسعه یافته و نظریات و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح گرد (جباری، ۱۳۸۸: ۳۹).

اکولوژی انسانی: اکولوژی از کلمه یونانی اویکوس به معنی مسکن، محل زیست و خانه و لوگوس به مفهوم دانش آمده است در سال ۱۸۶۸ عنوان اکولوژی به وسیله ارنست هاکل که به پدر اکولوژی گیاهی معروف است مطرح شد (شکویی، ۱۳۶۹: ۵). در تعریف اکولوژی انسانی، آنرا علم شناسایی روابط متقابل میان انسان و محیط ذکر نموده اند که همان تعریف سنتی جغرافیایی انسان، طبیعت و روابط متقابل این دو را نشان می دهد (همان، ۵).

در سال ۱۹۶۵ عنوان اکولوژی تطبیقی به وسیله اف ای سویتزر به مثابه یک مدل برای آگاهی از تفاوت های اکولوژیکی به کار گرفته شد. هدف از روش تطبیقی، آگاهی از تفاوت های اکولوژیکی محلات شهری بود. مراد از اکولوژی تطبیقی، به کارگیری اصول و شاخص هایی است که در شناخت زندگی مردم در محلات مختلف شهری می تواند محققین را یاری دهد. در مطالعه اکولوژی داخل شهرها که بیشتر روی پایگاه های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی، مشخصات قومی، نژادی، مذهبی و زبانی مناطق و محلات شهری تأکید می شود. همواره آسیب شناسی اجتماعی فراموش می گردد (همان، ۸۹).

مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو: مطالعات اکولوژی اجتماعی شهرها به شدت از مکتب جامعه شناسی شیکاگو طی دهه ۱۹۲۰-۱۹۳۰ تأثیر پذیرفت و طی ۶۰ سال اخیر بیش از دیگر مکاتب شهری بحث هایی را در مطالعات شهری مطرح کرد. این مکتب اولین بار در سال ۱۹۱۶ در زمینه بررسی های شهری به وجود آمد. بنیان گذاران این مکتب معتقدند گروه های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه های گیاهی در حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژی را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می کنند، به نظر می رسد شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر شیکاگو در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از عامل اصلی پیدایش این مکتب در دانشگاه شیکاگو بوده است.



از تحقیقات صورت گرفته در اکولوژی اجتماعی شیکاگو، به طور خلاصه می توان به یافته های زیر اشاره کرد:

- الف. مناطق مختلف شهر شیکاگو دارای نوع و میزان متنوعی از قانون شکنی و جرم هستند به عبارتی برخی مناطق مجرمین بیشتر و برخی مجرمین کمتری دارد.
- ب. نرخ جرایم به نسبت فاصله از مرکز شهر، بطور گسترده ای تفاوت پیدا می کند.
- ج. بالاترین نرخهای جرم مربوط به این مناطق هستند:
 - نواحی که ساختار فیزیکی به هم ریخته ای دارند.
 - نواحی که جمعیتشان را از دست می دهند.
- د. نرخ های بالای جرم در طول زمانی ثابت باقی می ماند، حتی اگر ترکیب جمعیت تغییر یابد.
- ه. جرائم برخاسته از بی سازمانی اجتماعی هستند.
- و. جدایی گزینی اجتماعی سبب ترویج تفاوت های فرهنگی شده که در نهایت باعث عدم کارایی اجتماعی می گردد (کامرانیا، ۱۳۸۵-۱۳۸۴: ۱۶).

جرم شناسی محیطی

در مطالعات پیشین جغرافیای بزه کاری می توان دریافت در این بررسی ها تأکید بیشتر بر عوامل محیط طبیعی آب و هوا، باد، دما، کوه، دریا، دشت، عرض جغرافیایی و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است، در حالی که در تحقیقات کنونی عوامل مربوطه به محیط انسانی (اجتماعی) و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که انسان را در برگرفته است، بیشتر مورد توجه است. طبق عقیده غالب، جرم قبل از آنکه پدیده ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم می باشد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۱).

دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی های بنیادی زمان ماست، هر روز شهرها و محله ها و بناهای جدیدی ساخته می شوند. قرارگاه های کالبدی برخی الگوهای رفتاری و تنش های اجتماعی نوینی را بر ساکنین خود تحمیل می کنند و یا برخی الگوهای رفتاری و نقش های اجتماعی را تقویت و برخی دیگر را تضعیف کرده و به طور خلاصه جهت



و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنین خود می‌بخشند. (کامرانیا، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴: ۱۸).

در این بخش سعی شده مهم‌ترین و جدیدترین دیدگاه‌های حاکم در بررسی‌های جغرافیای جرم در حوزه شهرها بیان شود.

نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت: مطابق این نظریه، افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ آنگلز در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد (کلاتری، ۱۳۸۰: ۸۰).

نظریه پنجره‌های شکسته: این نکته به خوبی اثبات شده است که مراقبت‌های عمومی به میزان زیادی موجب کاهش جرم می‌شود از طرفی عدم مراقبت و بهم ریختگی محیطی مانند وجود آشغال، خرابه‌ها، انجام برخی رفتارهای بی ادبانه و خشن، ولگردی، مستی و تکدیگری در این مکان‌ها موجب افزایش جرم می‌شود. ارتباط محیط‌های شهری خشن و بهم ریخته با افزایش جرم به نظریه پنجره‌های شکسته تعبیر می‌شود. این نگرش به وسیله ویلسون و کلینگ در سال ۱۹۸۲ ارائه شد. طبق این دیدگاه، پنجره‌های شکسته یک ساختمان، نشانه نبود کنترل فردی و جمعی در آنجاست و نبود کنترل‌های اجتماعی به مثابه چراغ سبز برای مجرمینی است که منتظرند تا فرصت را غنیمت شمرده و در این مکان‌ها مرتکب جرم شوند. ساختمان‌های صنعتی و تجاری بدون سکنه، در و پنجره‌های شکسته، دیوارهای ترک دار و مخروبه، محوطه‌های عمومی کثیف و پر از آشغال در برخی مناطق شهر احتمال وقوع جرم را در این مکان‌ها افزایش می‌دهد و این نشان می‌دهد برخی محیط‌های خاص جاذب مجرمینی بالقوه برای ارتکاب جرم می‌باشد (همان، ۸۲).

نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی: تقریباً از دهه سال ۱۹۷۰ دیدگاه‌ها و ابزار زیادی برای فهم رابطه مکان و جرم مطرح شده است. نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی از جمله این دیدگاه‌هاست. اندیشه‌های جفری و جاکوبز در شکل‌گیری و توسعه این نظریه بسیار تأثیر گذار و با اهمیت بوده است. جاکوبز در کتابش تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا بیان داشت: شهرهای جدید به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که مردم قادر به دیدن خیابان‌های عمومی و مکان‌های اطراف منزل





خود باشند و همین امر باعث شده تا امکان کنترل اجتماعی و غیررسمی برای پیشگیری جرم از مردم سلب شود. او معتقد بود که جرم و محیط نظام پذیر، مقابل مشاهده و کنترل می باشند؛ لذا مراقبت های معمولی ساکنین شهر مانع مهم بروز جرایم تلقی می شود. مطالعات نشان می دهد برخی مشخصه های کالبدی مانند نوع خیابان، افزودن یک بنا یا فضای عمومی، تعداد واحدهای مسکونی یک ساختمان و کاربری های تجاری تأثیر مستقیمی در میزان جرایم شهری دارد. نوع کاربری و ساخت و ساز شهری در نوع و میزان جرایم مؤثر است. در محدوده یا درون مشروب فروشی ها، قمارخانه ها، سالن های استخر، ساختمان های بدون سکنه، آمار جرم بالاست. از طرفی برخی فضاهای شهری مانع وقوع جرم میشوند. به عنوان مثال اماکن و محدوده های با نورپردازی مناسب، دید و چشم انداز خوب ساختمان، حصار، پرچین، نرده و یا نصب تابلو و علامت های هشدار و نگرهبان از عوامل مهم در کاهش جرم محسوب می شوند راهبردهای زیر را برای طراحی مناسب محیط شهری و کاهش جرم ارائه داده است:

الف- تقویت قلمروگرایی: مردم با احساس مالکیتی که نسبت به اموال و املاک خود دارند از آن محافظت می کنند. البته نسبت به حریم مالکیت دیگران نیز احترام قائلند قرار دادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشدار حریم های فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت را مشخص می کند. لذا با تعیین مالکیت های شخصی می توان موانعی بر سر راه مجرمین متجاوزین ایجاد نمود.

ب- نظارت طبیعی: بدون شک یک مجرم نمی خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود. داشتن دید مناسب از درون ساختمان ها و با نورپردازی های بهتر، به شکل مؤثری می توان مراقبت های طبیعی معابر، خیابان ها و حریم اطراف منزل و ساختمان ها را افزایش داده میزان جرم را کاهش داد.

ج- فعالیت های حمایت کننده: ترغیب مردم به انجام برخی فعالیت ها در فضاهای عمومی مانع بروز جرم است. وجود یک فضای تفریحی و ورزشی مثل زمین بسکتبال داخل پارک احساس تعلق و مالکیت و تشریک مساعی و نظارت عمومی را در مردم بیشتر کرده و از وقوع جرایم میکاهد.

و- کنترل دسترسی ها و ورودی ها: چنانچه ورودی های مجتمع های ساختمانی،





پارکینگ‌های عمومی، ادارات و مرکز تفریحی به طور مناسب کنترل و نگهبانی شوند خود به خود فعالیت مجرمین محدود شده و جرایم کمتر اتفاق می‌افتد (قزلباش، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵).

نظریه طراحی در برابر جرم: تقریباً همزمان با شکل‌گیری نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، در جامعه علمی بریتانیا تئوری‌های مشابهی مطرح گردید. به طوری که پونیز در خلال دهه ۱۹۸۰ در کتاب خود با عنوان طراحی علیه جرم اظهار داشت: برای جلوگیری از وقوع جرایم شهری بایستی به مکان‌های با امکان دسترسی سریع مجرمین و همچنین امکان خروج سریع توجه کافی شود. چراکه این مکان‌ها عامل مهمی در وقوع جرایم هستند. این دیدگاه برخی مشخصات کالبدی شهر را مؤثر در وقوع جرم دانسته و به طراحان شهر برای ساخت فضاهای مقاوم تر در برابر جرم توصیه‌هایی دارد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۸).

نظریه فضای مقاوم در برابر جرم: در سال ۱۹۷۰ و در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی اسکار نیومن دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم فضای قابل دفاع را مطرح نمود. وی مشخصات کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثر در کاهش جرم و چگونگی استفاده مردم از آنها را بیان کرد. به نظر وی این ایده به طراحان محیط شهر کمک می‌کند در ساخت یا بازساخت فضاهای کالبدی به نوعی شهروندان را در کنترل رفتارهای اجتماعی سهیم نمایند. در این نظریه به خودیاری مردم بیش از مداخله دولت، اهمیت می‌دهد و همچنین طراحی کالبدی در افزایش سطح نظارت طبیعی مردم بسیار توجه شده است (جباری، ۱۳۸۸: ۳۵).

شهرهای امروزی کشور ما به موازات افزایش و گسترش جمعیت و فضاهای کالبدی آنها، با انواع مشکلات و آسیب‌های شهری مواجه هستند. انواع جرم و ناهنجاری باعث ایجاد حس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی کشور می‌شود. مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به عوامل جرم‌زاست. بنابراین با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرائم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست (عباسی، ۱۳۸۷).

دو رویکرد در شناسایی رابطه بین امنیت و محیط شهری وجود دارد. از یک طرف





محیط فیزیکی به عنوان بستری برای ایجاد فرصت ارتکاب جرم و از طرف دیگر نقش آن در احساس امنیت افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد (مزینی، ۱۳۸۸). بنابراین ابتدا باید مشخص شود جرم چیست؟ و چه عواملی فرصت‌های ارتکاب جرم را ایجاد می‌کنند. به منظور افزایش امنیت در یک محیط، می‌بایست به همه‌ی ابعاد جرم توجه کرد. به رغم آنکه مسئله امنیت در هر جامعه یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد مختلفی می‌باشد، در تأمین این نیاز نباید از نقش و تاثیر عوامل محیطی غافل شد. از آنجایی که برخی از مناطق شهری نسبت به سایر مناطق بیشتر در خطر ناشی از بروز جرم می‌باشند براین اساس لزوم توجه به، ارتباط بین آسیب‌پذیری افراد در فضاهای شهری و طراحی محیط زندگی بیش از پیش آشکار می‌شود (Brunsdon, 1995). با توجه به مطالب ذکر شده ویژگی و ساختار فیزیکی محیط بویژه محیط‌های شهری در بروز جرایم مختلف تاثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد. در این راستا آنچه بصورت یک حقیقت ناخوشایند رخ مینماید گسترش بیش از پیش جرم و جنایت در شهرهاست که باعث ایجاد حس ناامنی و ترس در بین شهروندان گردیده است (نظری، ۱۳۸۹). بنابراین شناخت این محدوده‌ها و بررسی مشخصات کالبدی و خصوصیات آنها بسیار اهمیت یافته است تا بدین وسیله امکان کنترل و پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید (کلانتری، ۱۳۸۰). کشور ما نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای دنیا از نظر میزان جرایم و انحرافات اجتماعی دارای وضعیت نابسامانی است. در این بین شهر سیرجان به عنوان مرکز شهرستان گرفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی از قبیل افزایش جمعیت، گسترش نابرابری‌های اجتماعی، مهاجرت بی‌رویه از شهرهای اطراف، انجام اعمال بزه‌کارانه، جرایم، ناهنجاری‌های اجتماعی و بسیاری آسیب‌های اجتماعی دیگر است بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده ارزیابی تاثیر ویژگی‌های کالبدی بر وقوع جرائم در مناطق جرم خیز و ارائه راهکارهای پیشگیری وضعی از وقوع جرم موضوع اصلی این تحقیق می‌باشد که این امر می‌تواند منجر به ارائه الگوهای مناسب در جهت کاهش نرخ بزهکاری، افزایش آسایش و احساس امنیت شهروندان در محلات شهری گردد.



روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش برداری مبتنی بر تحلیل محتوا متون قانونی و تحقیقات مرتبط با قتل عمد در فقه صورت پذیرفته است. روش استخراج داده‌ها در این تحقیق با استفاده از فیش برداری از کتاب و منابع مرتبط با ابعاد فقهی قتل عمد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا است.

یافته‌های تحقیق

موقعیت جغرافیایی شهر کرمان

شهرستان کرمان با وسعت ۴۵۴۰۱ کیلومتر مربع معادل ۲۴/۳۹ درصد مساحت استان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان از شمال به استان خراسان جنوبی، از شرق به کویر لوت، از غرب به رفسنجان و از جنوب به شهرستان بم منتهی می‌گردد. این شهرستان دارای ۱۳ مرکز شهری، ۶ بخش، ۱۶ دهستان و ۵۸۸ آبادی دارای سکنه می‌باشد. از عوامل مهم محلی در آب و هوای کرمان می‌توان ارتفاع و دوری از دریا را نام برد. شهر کرمان در دشتی به ارتفاع متوسط ۲۴۰۰ تا ۲۵۰۰ متر قرار گرفته و دارای آب و هوای خشک می‌باشد (کاهانی، ۱۳۹۰).

جدول ۱- درصد جرائم اتفاق افتاده در هر کلانتری شهر کرمان در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۴

ردیف	نام کلانتری	آدرس	جرائم اتفاق افتاده (درصد)
۱	کلانتری شماره ۱۱	بازار کرمان	۵/۵۲
۲	کلانتری شماره ۱۲	خیابان زریسف	۴/۳۹
۳	کلانتری شماره ۱۳	چهارراه فرهنگیان	۱۸/۰۴
۴	کلانتری شماره ۱۴	بلوار دانشجو	۴/۸۳
۵	کلانتری شماره ۱۵	بلوار ۲۲ بهمن	۱۰/۰۵
۶	کلانتری شماره ۱۶	ترمینال قدیم	۹/۸۴
۷	کلانتری شماره ۱۷	بلوار جمهوری	۲/۰۵
۸	کلانتری شماره ۱۸	سرآسیاب	۵/۶۸
۹	کلانتری شماره ۱۹	شهرک ایرانمنش	۱۰/۳۶
۱۰	کلانتری شماره ۲۰	باستانی پاریزی	۷/۱۴
۱۱	کلانتری شماره ۲۱	بلوار آزادگان	۸/۲۲
۱۲	کلانتری شماره ۲۲	بلوار هوانیروز	۴/۷۰
۱۳	کلانتری شماره ۲۳	شهرک مطهری	۶/۱۳
۱۴	کلانتری شماره ۲۴	هفت باغ علوی	۳/۰۵



بخش شهری شهرستان کرمان با جمعیت ۴۹۶۶۸۴ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۵۳۴۴۴۱ نفر در سال ۹۰ رشد جمعیت ۷/۶ درصدی را به خود اختصاص داد. با استناد به این رشد جمعیت می‌توان جمعیتی حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر را در حال حاضر برای کرمان متصور بود.

تأثیر عوامل فضایی و کالبدی در پیدایش جرم محلات شهر کرمان

در بررسی‌های جغرافیای جرایم (رفتار آنومیک) شهری به چند عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم، مکان جرم و زمان جرم مورد توجه قرار می‌گیرد (Brown, 2000: 2). بر حسب تئوری مناطق جغرافیایی بزه کاری، بیشترین رفتار آنومیک از نوع تبهکارانه‌ی آن مربوط به کیفیت محلات شهری است تا در اثر خود شهرنشینی، بدین سان احتمالاً محلات بزه کاری بوجود می‌آید که خود به محزن دائمی تمرکز بزه کاران تبدیل می‌شود. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد، اگر واقعاً توزیع بزه‌کاری شهری برحسب مسین محلات شهری نشان داده شود محدوده‌های بزه کاری و حتی منازل بزه کاران در بعضی از محلات شهر متمرکز می‌گردد. پژوهش‌گران حتی نشان داده‌اند که بعضی از کوچه‌ها یا ساختمان‌ها مخصوصاً دارای تراکم سنگینی از بزه کاران هستند (گسن، ۱۳۷۴: ۱۱۶). در واقع محلات و مناطق مختلف یک شهر از لحاظ بزه کاری با یکدیگر متفاوت بوده، بعضی از آنها جرم خیزتر از بقیه هستند. بنابراین احتمال بزه کاری افرادی که در محله‌های پرجمعیت و فقیر نشین شهرها یا در آلونک‌ها و زاغه‌های حاشیه شهرهای با حداقل امکانات رفاهی زندگی می‌کنند، به مراتب بیش از افرادی است که در محلات کم جمعیت و مرفه شهرها سکونت دارند (بینا، ۱۳۷۵: ۸۴).

نقش طراحی محیطی در امنیت و کاهش بروز جرم شهر کرمان

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است. جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونتی، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب تئوری‌های نوین شهرسازی بدان اشاره می‌شود. بنابراین توجه به نقش کالبدی شهر (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) در کاهش و پیشگیری از جرایم شهری اهمیت اساسی دارد و بایستی مفاهیم، اصول، پارادایم‌ها و





استراتژی‌های مربوط به آن، مورد توجه قرار گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیت است که امروزه در فرآیندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیل‌های بالقوه مناطق شهر و ساختمان‌ها در کاهش یا جلوگیری از جرائم توجه می‌شود. رویکرد حاضر را می‌توان طراحی کارآمد و بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم شهری قلمداد کرد که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی تأثیر بسزایی دارد. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی، «احساس امنیت» برخوردار است. شهروندان از بهر آنکه افزایش «توسعه پایدار انسانی» فزاینده دارد. از آنجا که امنیت، مولفه‌ای اساسی در راهکار ساختار شهری ممکن می‌کند، «سرمایه اجتماعی» و شکل‌گیری «رضایتمندی شهروندی» بایستی علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی و امکان‌دهی به شکل‌گیری مکان‌های امن از دید شهروندان نیز توجه داشت. از سویی دیگر، با «احساس امنیت» شهری و در عین حال، مقوله نگاهی به رشد و گسترش روند شهرنشینی، می‌توان دریافت که شهرنشینی دارای پیامدها و تبعات گوناگونی برای ساکنان است که در این میان امنیت و شکل‌گیری فضاهای امن شهری، دارای نقش اساسی در رضایتمندی شهروندی و مطلوبیت زندگی در قالب توسعه پایدار انسانی، بشمار می‌آیند.

بدیهی است که بدون ایجاد امنیت، نمی‌توان انتظار کارایی ساختار شهری به مثابه سیستمی از اجزا و عناصر برای سکنی‌گزینی شهروندی و زندگی همراه با رفاه و کرامت انسانی را داشت. در این میان بین ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت بخش حاصل «احساس امنیت» و «امنیت واقعی» در شهر به مثابه «مداخله» می‌شود، تفاوت فاحشی وجود دارد. در هر صورت هر گونه راهکاری برای اجزا و عناصر در برنامه‌ریزی شهری، تنها با شناخت و بررسی فاکتورهای اساسی سکنی‌گزینی «سیستمی» در آن شهر و بازخوراندهای حاصل ممکن می‌شود. مولفه امنیت شهروندان، م‌بیایستی مورد توجه بیشتر قرار گیرد، چرا که امروزه بدون شناخت و بررسی سازوکار این مولفه در ساختار شهری به مثابه سیستمی شهری (متشکل از ورودی و خروجی و پردازش درونی)، امکان مداخلات مناسب، باید بعنوان مولفه‌ای تأثیرگذار در «امنیت» کارآمد و بهینه در شهر میسر نمی‌شود. این چنین است که شهر، مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیتی مضاعف می‌شود که امنیت شهروندان از محورهای اساسی توسعه پایدار انسانی بشمار می‌رود، چنانچه بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان



ملل در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸، امنیت در ابعاد اقتصادی از جهت میزان درآمد، شغل و سرمایه‌گذاری و امنیت محیطی و جانی را نیز در بر می‌گیرد. در عین حال نمی‌توان انتظار داشت بدون ارتقاء موثر و کارآمد مولفه‌های امنیت شهری، بتوان در بهبود کیفیت زندگی، افزایش رضایتمندی شهروندی و تحقق توسعه پایدار شهری را در بستر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی فراهم آورد. علاوه بر این مولفه‌های امنیتی شهر دارای نقشی اساسی در میزان انسجام اجتماعی و امنیت ملی بشمار می‌روند.

بدیهی است که به دلیل تنوع و گستردگی فاکتورهای موثر بر احساس امنیت یا امنیت‌پذیری ذهنی شهروندان، می‌بایست درباره هر شهری بررسی و پژوهشی میدانی در این باره صورت گیرد تا ضمن افزایش احساس امنیت از دید شهروندان، امکان انجام مداخلات فراگیر برای بهبود دیگر مولفه‌های از دیدگاه کلان، «تصمیم‌گیری» برنامه‌ریزی شهری یا «تصمیم‌سازی» زندگی شهری، در فرآیند ممکن شود (صالحی، ۱۳۸۸).

بر اساس مستندات، تجربیات و آرای اندیشمندان جهانی در این زمینه، می‌توان به اصولی اشاره کرد که به عنوان مبانی در طراحی محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرند (محمودی نژاد، ۱۳۸۹). بکارگیری این اصول و مفاهیم تمثیلی آن، سهمی اساسی در طراحی محیطی بازدارنده از جرائم دارد که این اصول عبارتند از:

الف) کنترل دسترسی: با استفاده از این اصل می‌توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر که امکان وقوع جرم دارند، را برای مجرمان احتمالی کاهش داد. برای فراهم‌سازی دسترسی مناسب و کاهش دادن دسترسی مجرمان به مناطق جرم‌خیز یا مناطقی که پتانسیل طبیعی وقوع جرم را در خود نهان دارند، می‌توان از نظارت‌های شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان از معابر و مسیرهای دسترسی بهره‌گرفت که با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمان‌های مسکونی در سایت‌های شهری و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت ممکن می‌شود. از این اصل برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق جرم‌خیز و ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

ب) تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند و بر اساس احساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. این مفهوم از طریق تقویت احساس و روحیه مالکیت در محیط‌های ساخته شده و مصنوع می‌شود که به ایده چتر موسوم است. لازم به یادآوری است که از طریق تحریک احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی نسبت به محلات و





مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان، برای ساکنان با اهمیت می‌شود. به عبارت ساده تر تنها بعد از وجود و القا چنین احساسی در شهروندان و ساکنان شهر است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند.

ج) تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه سازی می‌توان علاوه بر بهینه سازی هزینه‌های شهری، از بالا رفتن ظرفیت مناطق در جرم خیزی کاست.

د) نظارت طبیعی: نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را بوسیله شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی جلوگیری بعمل آورده می‌شود. «مناطق کور» قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیر قابل نظارت و به اصطلاح این امر در طراحی فضای سبز مناطق شهری بایستی مورد توجه باشد تا از ایجاد مناطق کور با حایل‌های فضای سبز نظیر بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، جلوگیری کرد.

ه) حمایت از فعالیت‌های اجتماعی: منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهر ایجاد شود که علاوه بر اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد. بسیاری از جرائم شهری در مناطقی روی م ی‌دهد که نظارت عمومی کم است و یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می‌شود تا نوعی توانمندسازی در فعالیت‌های اجتماعی صورت گیرد و در واقع به مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم خیزی در آنها بیشتر است، فعالیت‌های اجتماعی و حضور افراد افزوده گردد (بخشوده، پرتوی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۶).

نتیجه گیری و پیشنهادات

یکی از راهکارهای اساسی جهت جلوگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت روانی در محیط شهری، پیشگیری از طریق طراحی معماری و طراحی شهری است، طراحی مناسب و کاربردی مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی و موجب امنیت روانی در محیط می‌شود.



بررسی و شناسایی عوامل تاثیرگذار در ارتقای امنیت فضای شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسأله‌ی امنیت فضایی و احساس امنیت در شهر، مقوله‌ای است که کم و بیش در تمامی کشورهای جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت از آنجا که یکی از معیارها و عوامل مهم در مباحث مرتبط با جنبه‌های اجتماعی توسعه پایدار، تشویق شهروندان برای حضور در فضاهای شهری و تقویت تعاملات اجتماعی در این عرصه‌هاست، طبیعتاً شناسایی و رفع موانع چنین حضوری ضروری می‌گردد. امنیت عامل بسیار مهم و شرط اساسی برای طراحی کالبد شهری است. امنیت در محل کار یا زندگی از طریق عوامل مختلفی قابل تأمین است که یکی از آنها طراحی مناسب و سازگار با اصول و ضوابط ایمنی و پیش‌گیرانه است. البته در کنار این مطالب به این نکته باید توجه داشت که تحقق امنیت و پیشگیری از جرم بدون توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، مدیریت مناسب، پلیس کارآمد و ... امکان‌پذیر نیست. از آنجا که جرم و پدیده شهرنشینی با یکدیگر ملازمه دارند، در پاره‌ای از کشورها مدیریت پیشگیری از جرم به وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها محول شده است. از این رو یکی از مسائل مربوط به توسعه شهرها، معماری پیش‌گیرانه شهری محسوب می‌شود.

بررسی یافته‌های مطالعات متعدد در نقاط مختلف جهان، گویای این واقعیت است که یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به این هدف، احساس عدم امنیت در فضاهای شهری می‌باشد. بنابراین جهت دستیابی به امنیت و کاهش تمایل ارتکاب جرم باید به دنبال راهکارهایی باشیم که بتوانیم از طریق طراحی معماری و طراحی محیطی تمایل ارتکاب جرم را کاهش داده و از این طریق امنیت را در سطح شهر افزایش دهیم.

بنابراین با توجه به اینکه وزارت مسکن، متولی پیش‌گیری از جرم است، می‌توان در ایجاد شهرک‌ها و شهرهای جدید و توسعه شهرهای موجود از یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه استفاده نمود. توجه به این مطلب ضروری است که معماری پیش‌گیرنده از جرم می‌بایست با سایر ملاحظات معمول در شهرسازی و ساخت اماکن مسکونی از قبیل زیباسازی، صرفه‌جویی اقتصادی، رعایت حقوق و آزادی فردی، خلوت و حریم خصوصی فرد هم‌خوانی و مطابقت داشته باشد. اصول طراحی محیطی با رویکرد پیش‌گیرانه می‌تواند به گونه‌ای آسان، ارزان و کارآمد در هنگام ساخت یا تعمیر مجموعه‌های مسکونی اعمال گردد. که می‌توانیم با اقدامات پیشگیرانه شامل شناسایی محدوده‌های جرم‌خیز شهر کرمان در آینده و ارائه راه‌کار برای ایمن‌سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل و درمانی در کانون‌های جرم‌خیز فعلی که با درک عامل بروز جرم





از ابعاد کالبدی است. تصمیمات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش آثار این عوامل در سطح شهر اتخاذ نمایند. این امر در مورد شهر کرمان که دارای گستردگی فراوان، جمعیت بالا، جرائم شهری متعدد، حاشیه نشینی و ... نیز صادق است.

در پایان باید بیان داشت که نقش طراحی محیطی بر ایجاد امنیت در مناطق حاشیه نشین بسیار حائز اهمیت است، چنان که با استفاده از راه کارهای پیشنهادی ذیل می توان شاهد موفقیت های چشمگیری در رابطه با افزایش امنیت اجتماعی بدون استفاده از ابزارهای انتظامی و با بهره جویی از برنامه ریزی صحیح و مناسب بود. همچنین در شرایط فعلی ایران نیز با توجه بیشتر به آنچه شرح آن در ادامه می آید، می توان میزان جرایم شهری در مناطق حاشیه نشین را با توجه به موارد زیر، کاهش داد:

۱. آموزش معماری و شهرسازی

از آنجا که جلوگیری از جرائم شهری در طراحی معماری و شهری مورد توجه قرار نمی گیرد، می توان دریافت که دلیل این امر را باید در عدم آموزش اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی دانست. همچنین باید بیان نمود که در مناطق شهری و بستری برای بروز جرائم باید بصورت جامع مورد مطالعه قرار گرفته و کمبودها و نیازهای حیاتی آن از منظر طراحی محیطی با توجه به ضعف های عدیده احصاء و در اولویت های طراحی قرار گیرد. این امر نیازمند آن است تا اساتید دانشگاهی این مفهوم را در طراحی و آموزش معماری و طراحی دانشجویان مورد توجه قرار دهند.

۲. مقررات ملی ساختمان:

می توان به این نکته اشاره کرد که در بسیاری از کشورها آیین نامه و مقرراتی برای رعایت اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی وضع شده است. بر این اساس می بایست آیین نامه ای در چارچوب مباحث مقررات ملی ساختمان تدوین شود تا همگان ملزم به رعایت اصول مربوطه گردند. از سوی دیگر امکان رعایت مقررات ملی در مناطق شهری با توجه به کمبود امکانات و ساخت و سازهای غیرمجاز و یک شبه وجود نداشته لذا می بایست بر اساس برنامه ای صحیح و آینده نگر نسبت به تدوین قوانین مرتبط با این مناطق اقدام و راهکارهای مناسب بمنظور اجرایی شدن این قوانین از سوی ساکنین مناطق را بدون استفاده از ابزار فشار تدوین نمود.

۳. روند طراحی شهری و معماری

از آنجا که روند طراحی معماری و ساختار شهری، می بایست جلوگیری از وقوع و بروز جرائم شهری از طریق طراحی محیطی و خلق مناطق شهری دارای پتانسیل



جرم خیزی نظیر مناطق حاشیه نشین را مدنظر قرار دهد، بنظر می‌رسد که معماران و شهرسازان باید در رویه طراحی در مراحل طراحی پلان و مکان‌یابی و طراحی سایت یا ساختمان‌های مسکونی این امر را مورد توجه قرار دهند.

۴. تقویت فضاهای فرهنگی - اجتماعی

در این راستا می‌توان از طریق ایجاد و بهره‌برداری مناسب از فضاهای فرهنگی ایجاد شده در مناطق شهری، تلاش کرد تا مردم به فضا و مکان زندگی خویش توجه بیشتری داشته باشند. این امر تنها زمانی ممکن است که مردم بخواهند بپذیرند که شهر نیز مانند منزل مسکونی به آنها تعلق دارد و در صورت توجه بیشتر آنها است که می‌توان در طی یک حرکت عمومی و همگانی، امکان افزایش نظارت و کاهش قابلیت جرم خیزی را فراهم آورد. بهره‌گیری از کانون‌های مذهبی و فرهنگی نظیر مساجد و مدارس می‌تواند در این مورد راه‌گشا گردد چراکه در بسیاری موارد می‌توان با تقویت اعتقادات مذهبی و همچنین ارتقاء سطح فرهنگ در این مناطق از بروز جرم و پرورش مجرمین جلوگیری نمود.

۵. مشارکت سازی اجتماعی

لازم به ذکر است که تنها با مداخله مردم و شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی در مناطق مختلف شهری در رویکرد شهرسازی مشارکتی است که می‌توان انتظار بهبود در وضعیت فعلی را داشت. از طریق دخیل کردن افراد در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حداقل در سطوح محله‌ای، این احساس را در ایشان بوجود آورد که منطقه و بالاخص محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به آنها تعلق دارد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین منازل مسکونی و محله آنها وجود ندارد یا حداقل نباید وجود داشته باشد. در هر صورت ایشان باید بپذیرند که تنها در صورتی امکان افزایش امنیت در محلات مسکونی فراهم می‌شود که خودشان به صحنه مدیریت محله‌ای وارد شوند و دوری و اجتناب و بی‌تفاوتی نسبت به بافتی که در آن زندگی می‌کنند، جز وخیم کردن اوضاع اثر دیگری ندارد.

۶. فرهنگ سازی اجتماعی

از طریق فرهنگ‌سازی نیز می‌توان دیدگاه جاری مناطق شهری را نسبت به فضاهای عمومی محله و مناطقی که در آن زندگی می‌کنند، تغییر داد و حتی آن را اصلاح کرد. رویکردهای فرهنگ‌مدار در سطوح مدیریتی ایران نیازمند مدارا و صبر بیشتری برای دستیابی به نتیجه مورد نظر هستند، چرا که تغییر باورها، عادات و عقاید یک ساختار





اجتماعی آن هم با این تنوع فرهنگی در مناطق حاشیه نشین در کوتاه مدت میسر نمی‌شود و می‌بایستی به حرکت‌های بلند مدت و میان مدت اندیشید. در هر صورت باید ساکنین این مناطق بپذیرند که تنها خودشان هستند که می‌توانند با مساعی و مشارکت بیشتر در طی حرکت‌های عمومی به بهبود ساختار بپردازند. البته نقش ارگان‌ها و نهادهای تأمین اجتماعی هم در این میان مهم است، چنانچه در طرح افزایش امنیت اجتماعی که مدتی است شروع شده و ادامه دارد، دیده شد که بعد از مدتی که ترس شهروندان از اراذل و اوباش کاهش یافت و در واقع مردم به نتیجه عملی این اقدامات امیدوار شدند، شروع به فعالیت کرده و همکاری و مشارکت عمومی گسترده‌ای بوجود آمد که نشان از این امر دارد که در صورت برنامه‌ریزی درست و بهینه، می‌توان انتظار مشارکت مناسب مردم را داشت.

۷. تدوین دستورالعمل‌های طراحی فضاهای کالبدی

شایان ذکر است حجم و فاصله میان ساختمان‌ها (توده‌ها در فضا)، مسیرها و کریدورهای بصری، قرارگیری محل دسترسی به سایت‌ها و مجتمع‌های مسکونی و زیستی، نحوه دسترسی همگانی و حتی مکان‌یابی و استقرار کاربری‌ها در بافت‌های مختلف شهری در میزان و نوع جرمی که احتمال دارد در آن‌ها یا بواسطه آن‌ها، امکان وقوع یابد، تأثیر دارد. بنابراین لازم است که آیین‌نامه و اصول طراحی کالبدی فضاهای بافت حاشیه و مسکن آن در رابطه با حجم ساختمان‌ها و فاصله و نسبت میان آن‌ها، تدوین شود. این امر در سایر کشورها و شهرداری و حکومت‌های محلی واقع در آنها صورت گرفته است. در ایران این معیارهای طراحی باید با توجه به شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و روانشناختی حاشیه نشینان مورد تدوین قرار گیرند، چرا که نمی‌توان بدون توجه به شرایط و اقتضائات فرهنگی یک منطقه، نسبت به طراحی اماکن و فضاها پرداخت که لزوم در دستور کار قرارگیری این امر در ارگان‌ها و نهادهای مربوطه لازم بنظر می‌رسد و نمی‌توان تنها با ارجاع به یک متخصص یا تعمیم آن به کل مردم، در این رابطه نظر مشخص و جامعی داد.



منابع:

- بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۸)، امنیت و طراحی شهری، انتشارات هله، تهران. مؤذن جامی، ۱۳۷۸: ۵۲.
- بخشوده، شهاب، پرتوی، بهنام. (۱۳۹۰)؛ نقش طراحی محیطی در امنیت مناطق حاشیه نشین، فصلنامه دانش



- انتظامی زنجان - سال اول - شماره اول - زمستان ۹۰.
- جباری، کاظم. (۱۳۸۸)؛ ارزیابی و تحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهری با استفاده از سامانه های اطلاعات جغرافیایی، دانشکده علوم انسانی، تهران.
- زینالی، حمزه (۱۳۹۱)؛ پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، تهران.
- دهقان، مهدی. (۱۳۸۱)؛ شهر و شهرنشینی و روند افزایش جرائم، ماهنامه شهرداری ها، سال چهارم، شماره ۴۱.
- ستوده، سارا. (۱۳۹۰)؛ بررسی امنیت شهروندان در محلات شهری (محلّه جلغا اصفهان)، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
- سیف الهی، سپیده. (۱۳۸۹)؛ بررسی تاثیر راهکارهای طراحی در برابر جرم در تحقق اهداف توسعه پایدار شهری (نمونه موردی خاک سفید تهران)، اولین همایش ملی معماری، مرمت و شهرسازی، تهران
- شکویی، حسین. (۱۳۶۹)؛ جغرافیای اجتماعی شهرها، جهاد دانشگاهی، تهران.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۸)؛ ویژگی های محیطی فضاهاى شهری امن، مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- عباسی، الهام. (۱۳۸۷)؛ شناسایی و تحلیل فضایی کانون های جرم خیز شهر قزوین با استفاده GIS، مشهد.
- قزلباش، سمیه (۱۳۸۷)؛ ناهنجاری های کالبدی در مناطق اسکان غیر رسمی شهرها و تأثیر آن بر وقوع ناهنجاری های اجتماعی (مورد مطالعه: منطقه اسکان غیر رسمی بی سیم در شهر زنجان) پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محسن کلانتری، دانشگاه زنجان.
- کلانتری، محسن. (۱۳۸۰)؛ بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه زنجان.
- کامران نیا. (۸۴-۸۵)؛ تحلیل الگوهای فضایی و آینده نگری جرم در شهر شیراز (مورد مطالعه محلات مرکزی شهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۴)؛ جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجد، تهران.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹)؛ چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مجرد کاهانی، مسعود. (۱۳۹۰)؛ اولویت بندی مکان های پیشنهادی پاسگاه های اضطراری برای ارائه خدمات شهری، دانشنامه انتظامی شهرستان کرمان
- محمود نژاد، هادی. (۱۳۸۹)؛ نقد کتاب ویژگی های محیطی فضاهاى شهر امن، تهران.
- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۸۷)؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ملکی، علیرضا. (۱۳۹۳)، تعاریفی حول محور توسعه کالبدی و فضای شهری.
- نظری، عزیز. (۱۳۸۹)، آسیب شناسی عوامل محیطی، کالبدی تسهیل کننده ارتکاب بزهکاری در مناطق شهری.

Kelly, Eric Damian, Crabtree, Dain (2009), securing the Built Environment: An Analysis crime prevention through Environmental Design, Ball state university, Muncie, Indiana.

Rothrok, E, 2010, Antiterrosism dising and poblis safety: teconciling cpted with the post, Massachusetts Institute of technology. Dept of urban studies and planning.

Brown Laure 2000, Geography of crime university of Wollongong school of Geosciences, from the word wide.

Brunsdon, c. & Gilroy, R. & Madani Pour, A. & Roe, M. & Thompson, I. & Townshend, and T. 1995. SaFeTy, Crime, vulnerability & Desing a Proposed.

